

مطالبه افزایش دستمزد را
به مطالبه ای ملی تبدیل
کنیم



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۹۵ / ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۳

اتهامات علیه اسماعیل

عبدی را محکوم می کنیم

صفحه ۱۴

تحلیل هفته

رئیس جمهور لایحه اش را پس بگیرد!



صادق کار

مشمول این قراردادها از ۷۵ به ۹۵ درصد طی دوران وزارت ربیعی شد، نظر به این سوابق، با وجود این به ظاهر ابراز نگرانی ها، اما واقعیت این است که هیچ یک از این افراد که همگی شان به یک اندازه در تحمیل و رواج قراردادهای موقت نقش داشته اند، نه از نتیجه عمل شان پشیمانند و نه مایل هستند با رواج قراردادهای اسارت بار موقت که امنیت شغلی، اجتماعی، معیشتی و انسانی کارگران را از آنان سلب و سودهای کلانی را نصیب کارفرمایان کرده اند، مقابله نمایند و این روند را به عقب بگردانند.

در ماده هفت قانون کار، مشاغل مستمر، موقت و زمان کار موقت تعریف شده، اما سال هاست که این

"جهان صنعت" که توسط عده ای از کارفرمایان بخش صنعتی منتشر می شود، پس از اذعان به تعمیم قراردادهای موقت کار به میان ۹۵ درصد از کارگران، ظاهرا از بابت آن اظهار نگرانی کرد. علی ربیعی نیز که در ابتدای وزارتش بواسطه نارضایتی و فشار کارگران ضابطه مند کردن قراردادهای موقت را جزء اولویت های کاریش اعلام کرده بود، در خرداد سال گذشته انعقاد قراردادهای زیر یک سال را طی بخشنامه ای ممنوع کرد، اما پس از آن که این بخشنامه با مخالفت سازمان های ذی نفوذ کارفرمایی مواجه شد، چند روز بعد آن را رسماً پس گرفت و از آن پس دیگر اقدامی در این زمینه انجام نداد. همین عقب نشینی سریع موجب شتاب گرفتن رواج قراردادهای موقت و افزایش تشدید تعداد کارگران

خبرگزاری "مهر" در ۲۷ بهمن گزارشی را با عنوان "قراردادهای ۲۶ روزه؛ خط بطلان بر امنیت شغلی/ دستور کار تازه دولت" منتشر کرد. این خبرگزاری در گزارش خود پس از اشاره به رواج فزاینده قرار دادهای موقت کوتاه مدت و انتشار نسخه ای از این گونه قراردادهای نوشت؛ "ناامنی شغلی به نظر می رسد تا پاسور و نهاد ریاست جمهوری هم کشیده شده است، در همین رابطه علی ربیعی اخیراً در حاشیه افتتاح نمایشگاه صندوق های بازنشستگی در جمع خبرنگاران گفت: ... آقای رئیس جمهور خواستار گزارشی از عوامل ناامنی شغلی شدند که گزارش مربوطه در حال تهیه است تا در جلسه هیات وزیران ارائه شود." گفتنی است که سه هفته پیش از این نیزسایت روزنامه



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۹۵ / ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۳

کارگران به شکل فزاینده بود و آن وقت در لایحه اصلاح قانون

کار خواهان تغییر ماده ۷ قانون کار که اجرای آن متضمن حفظ امنیت شغلی کارگران از لحاظ قانونی است، شد؟

چگونه کارگران می توانند ادعای وزیر کار را که طی کمتر از چهارسال در مقابل رشد ۲۰ درصدی قراردادهای موقت کار هیچ اقدام بازدار انجام نداده است و حتی در افزایش شان سهمیم بوده را باور کنند؟

اگر کارفرمایان مخالفند، چرا حتی با ضابطه مند کردن قراردادهای و بخشنامه ربیعی مخالفت کردند و جلوی اجرایش را گرفتند و به گسترش آن ها کمک کردند؟

چرا هم چنان در حالی که ظاهرا از آن ابراز نگرانی می کنند، مشغول تحمیل قراردادهای موقت یک ماهه سفید امضا به کارگران شان هستند؟

متأسفانه گفتار هیچ کدام از این ها نه با رفتارشان می خورد و نه با تجربه ای که از عمل کردشان در دست است.

کارگران هم این را به خوبی تشخیص می دهند و هم از این روست که فریب این ترفندها را نمی خورند و مطالبه لغو قراردادهای موقت و پیمانی و نه صرف "ضابطه مند کردن شان" به صورت یکی از مهمترین مطالبات کارگران مطرح است.

قراردادها و احیاء ماده ۷ قانون کار و انحلال شرکت های پیمانکار هستند، علی ربیعی در این میان که هوشیارتر از بقیه عمل می کند، جدیت موضوع را دریافته و راه چاره را در ضابطه مند کردن قراردادها یافته است.

نزدیکی انتخابات، فراهم کردن زمینه برای تصویب لایحه ضدکارگری قانون کار و موضوع تعیین دستمزدهای سال آینده نیز در این اظهار نگرانی این ارکستر ضد کارگری بی نقش نیستند.

اعضای این ارکستر از نگرانی که در میان کارگران از سیاست ها و اعمال ضد کارگری شان وجود دارند، مطلع و نگران پیامدهای آن هستند.

به همین لحاظ تلاش دارند با دادن وعده حلوای نسبه که خرجی برایشان ندارد، نظر و آرای کارگران را جلب کنند. با تظاهر به دادن امتیاز از فشار اعتراضات علیه لایحه اصلاح قانون کار دولت های احمدی نژاد و روحانی بکاهند تا بتوانند با ایجاد توهم و جو روانی لایحه ضد کارگری شان را با دردسر و تغییرات کمتری از تصویب بگذرانند و بگویند اگر دستمزدها را به طور واقعی افزایش ندادیم، در عوض در فکر تامین امنیت شغلی کارگران هستند.

با این اوصاف اگر نیت شان غیر از این است، چرا فقط وعده می دهند و کوچکترین اقدامی انجام نمی دهند! چطور می شود مخالف رواج قراردادهای موقت و از بین رفتن امنیت شغلی

ماده قانونی توسط دولت و کارفرمایان نقض و یا مطابق منافع شان تحریف شده است.

در پیش نویس لایحه ضد کارگری اصلاح قانون کار دولت های احمدی نژاد و روحانی، ماده هفت از جمله مواردی است که پایمال شده است. علی ربیعی هم در اصل با اساس قراردادهای موقت مخالف نیست، او تنها قصد دارد با به اصطلاح ضابطه مند کردن شان، از نارضایتی و فشار کارگران بکاهد تا بتواند استخدام رسمی را براندازد و قراردادهای یک ساله را به جای آن باب و قانونی کند. به همین جهت او گفته است، قصد ضابطه مند کردنشان را دارد و منظورش هم این بوده که زمان، بخشی از قراردادهای موقت را به یک سال افزایش دهد.

قبل از وزیر شدن ربیعی فراکسیون موسوم به "کارگری" مجلس هم قصد داشت همین کار را انجام دهد، اما ناکام ماند و تشکیل مجلس جدید نیز که آن ها امید داشتند با آنها راه بیاید و طرح شان را تصویب کند روی خوش به این طرح نشان نداد!

اما در چرایی این که همه این ها به یک باره از رواج قراردادهای موقت و نا امنی شغلی کارگران در هفته های اخیر اظهار نگرانی می کنند، چند دلیل بیشتر ندارد، **مخالفت با قراردادهای موقت و پیمانی در اعتراض های کارگری روز به روز بیشتر شده است و کارگران با جدیت بیشتری خواهان لغو**



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۹۵ / ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۳

از تجربه دیگران

پژوهشی در اتحادیه های صنفی قبرس

تاریخچه جدایی ها و چالش های مشترک آینده (بخش ۱۵)



مارس ۲۰۱۳: این "رسوایی" است. "شرم" کنید! شعار معترضان به عاملان بحرانی بانکی در قبرس

گرگوریس ایوانو و سرتاک سونان

دسامبر ۲۰۱۴

ترجمه گودرز

اتحادیه های صنفی و سیاست در جنوب (دنباله شماره قبل)

سطح پذیرش اجتماعی و محبوبیت آنان با توجه به نزدیکی شان به احزاب سیاسی باید هم زمان با کاهش محبوبیت پارلمان و دولت حاکم پایین آمده باشد، که مابین سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ از ۳۹ درصد به ۲۲ درصد سقوط کرده بود (۴۵ درصد کاهش). اما از آن جایی که هیچ بدیل تازه ای برای دفاع از کارگران و نمایندگی آنان ظهور نکرده است، اتحادیه ها با هیچ رقیب جدی روبرو نیستند.

در سطوح جهانی و اتحادیه اروپا، اتحادیه های صنفی قبرس بخوبی در شبکه های اتحادیه ای نمایندگی می شوند، اما بعلت تعداد کم اعضا مشارکت شان نه اولویت دارد و نه در مرکز توجه است. هرسه اتحادیه اصلی نمایندگان بین المللی دارند که در برگزاری مراسم روزهای ویژه و کنش های بین المللی که از فدراسیون های اروپائی و بین المللی نشئت می گیرند، هماهنگی های لازم را بعمل می آورند و رابط اطلاعات مابین اتحادیه و فدراسیون اروپائی اند و به دوطرف گزارش می دهند.

احتمالاً "پ / ای / او" فعال ترین اتحادیه ها در این زمینه است و این نکته نتیجه تاریخچه طولانی ارتباط



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۹۵ / ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۳

بویژه پس از سقوط بلوک شرق است که از ۱۹۹۰ در موقعیتی قرار داشته که جزء معدود اعضای اصلی در اتحادیه اروپا و باشد.

(وی/اف/تی/یو) بزرگترین چالش سیاسی موجود در برابر اتحادیه ها افزایش پرخاش گری کارفرمایان و کاهش نفوذ اتحادیه ها در روند سیاسی و بر احزاب تحت کنترل و محدودیت های ترویکاست که مهندسی اجتماعی و ریاضت های اقتصادی را تحمیل می کنند.

در سطح اجتماعی اما چالش اصلی آشکار شدن ضعف و مشکلات دم افزون اتحادیه ها برای متقاعد کردن کارگران در این باره است که اتحادیه ها توان و تمایل قطعی مبارزه برای حقوق کل کارگران و خاصه کارگران آسیب پذیر را دارند. اولویت تعیین شده از سوی اتحادیه ها تغییر نکرده است- دفاع از رابطه موجود کار بطور عام و ساختار مذاکرات جمعی و قراردادهای گروهی بعنوان مکانیزم قانون گذاری در بازار کار بطور اخص.

در شمال

اقتصاد و جامعه در قبرس ترک تبار از سال ۲۰۰۸ هم چنان در بحران است، گرچه بدلائل ساختاری دیگری که در بخش بعد به آن خواهیم پرداخت، در این دوران دشوار اقتصادی، احساس عمومی نسبت به اتحادیه ها منحرف شده است. برای بخشی از جامعه اتحادیه تنها قسمتی از مشکلات است که به عنوان مانع بسیاری از اصلاحات لازم برای بهبود وضع اقتصاد دیده می شود. برای برخی دیگر، آنها تنها سنگر مخالفت اجتماعی در مقابل آنکارا هستند، بویژه بدلیل آنکه دولت قادر به مقاومت در برابر سیاست های ریاضت اقتصادی تحمیلی دولت ترکیه نیست. در طی پنج - شش سال اخیر آن احزابی که از فعالیت اتحادیه ها برای تغییر سیاست های ریاضتی در زمان بودنشان در اپوزیسیون حمایت کرده بودند، حالا با چرخش میز بعد از آن که به قدرت رسیدند، روبرو شده اند که باز هم بیشتر باعث بی اعتباری و عدم اعتماد به احزاب سیاسی می شود.

برخلاف جنوب، در مناطق شمالی، اتحادیه ها مواضع سخت تری علیه احزاب سیاسی اتخاذ کردند. در سال ۲۰۱۱ بویژه آن ها دو اعتراض و تظاهرات توده ای گسترده علیه ریاضت های اقتصادی سازمان دادند، که اعتراض به دولت ترکیه را هم دربر می گرفت. اما این کنش ها به هیچ نتیجه چشم گیری، جز خشم دولت ترکیه که قاطعانه از هیچ یک از خواسته هایش عقب ننشست، دست نیافتند.

همانند جنوب قبرس اطلاعات ناشی از آمارگیری از افکار عمومی در شمال هم برای تعیین مقدار اعتماد عمومی به سازمان های مختلف بسیار محدود است. با این وجود یک آمارگیری تازه می تواند تاحدودی وضعیت حاضر را روشن نماید. بر اساس این آمارگیری که در سال ۲۰۱۱ انجام شده، تنها ۱۶ درصد پاسخ دهندگان معتقد بوده اند که درجه محبوبیت و اعتبار اتحادیه ها بسیار بالاست. بازرسی دقیق تر این نظرخواهی اما نشان می دهد که تقریباً تمام نهادهای مورد پرسش با بی اعتمادی عمیق روبرو هستند. اقدامات احزاب سیاسی (۱۰,۹ درصد)، سیاستمداران (۱۳,۹ درصد)، وزیرای عضو کابینه (۱۴,۸ درصد)، سیستم قضایی و دادگاه ها (۲۳,۹ درصد)، رئیس جمهور (۲۶,۱ درصد) و وسایل ارتباط جمعی (۱۹,۳ درصد) به ترتیب از سطح تأیید عمومی برخوردارند. تنها نهادی که بالای ۵۰ درصد از اعتماد عمومی برخوردار بود ارتش قبرس بود که از ۵۲,۵ درصد اعتماد عمومی نفع می برد. در انتخابات سال ۲۰۱۳، تعداد شرکت کنندگان از ۸۱,۷ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۶۹,۴۱ درصد سقوط کرد که دلیل دیگری بر کاهش حد اعتماد عمومی به سیستم سیاسی و نهادهای حکومتی است.

تا آن جا که به مواضع اتحادیه ها در برابر نهادهای بین المللی مربوط می شود، باید در نظر داشت که این بیش از هرچیز به موضع سیاسی آنان مربوط است. آن ها که در جناح چپ قرار دارند، در فدراسیون هایی مانند "آ تی اف یو و وی اف تی یو نفوذ و دخالت ترکیه در امور اقتصادی و سیاسی در مناطق شمالی قبرس شکایت کنند. اتحادیه های جناح راست از سوی دیگر ترجیح می دهند با فدراسیون های اتحادیه ای در ترکیه هماهنگ شوند.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۹۵ / ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۳

دیگر کشورها

کمیسیون های کارگری و اتحادیه های عمومی کارگری اسپانیا اعتراض به پائین بودن دستمزد در مادرید



برق در همین ماه ۲۴ درصد، گاز ۷ درصد و مواد سوختی ۵ درصد افزایش داشته اند. تظاهرات یکشنبه اول اسفند هم چنین برای ایجاد بازار کار بیشتر، افزایش حضور بخش دولتی در تولید و لغو قانون بغایت ارتجاعی کار برگزار می شود در ایالت مادرید ۳۵۰ هزار کارگر با حقوقی کار می کنند که جواب گوی حداقل نیازهای آن ها و خانواده هایشان نیست، به آن ها کارگران

فقیر اطلاق می شود، در همان حال ۳۰۰ هزار کارگر بیکار وجود دارند که هیچ گونه

ازجانب دولت دریافت نمی کنند و غم انگیز تر آن که از هر پنج نفر ساکن ایالت مادرید یک نفر زیر خط فقر زندگی می کند. تشکل های کارگری اسپانیا برای تمامی این اقشار اجتماعی حداقل پرداخت ماهیانه را طلب می کنند، تا حداقل زندگی برای آن ها تامین شود.

خیمه سدروم می گوید: ما خواهان یک تغییر عمیق در سیاست های دولت هستیم، بدین لحاظ تظاهرات در خیابان ها را ادامه خواهیم داد، به دولت نشان خواهیم داد که اعتصابات و اعتراضات خیابانی اهرم های قانونی اعمال فشار ما هستند و از آن ها استفاده خواهیم کرد. در روز هشتم مارس برای بزرگداشت روز جهانی زن، ما و زنان کارگر با تمام نیرو به خیابان ها خواهیم آمد و در روز ۱۱ مارس روز جهانی محیط کار سالم، مطمئناً باهم خیابان ها را از صدای اعتراض به سوانح کار پر خواهیم کرد. روز اول ماه می روز جهانی کارگران را به اعتراض علیه نابرابری های اجتماعی و دستمزدهای حداقل در مقابل کار زیاد اختصاص خواهیم داد.

سندیکاهای کارگری در فراخوان های متفاوت مردم را به شرکت وسیع برای تظاهرات اعتراضی به سیاستهای ضد کارگری دولت راست گرای اسپانیاست دعوت می کنند.

کمیسیون های کارگری و اتحادیه عمومی کارگران" در مادرید در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزدها، پایین رفتن سطح زندگی و حضور بیکاری گسترده مردم را به تظاهرات اعتراضی دعوت کردند.

خیمه سدرون یک از مسئولان سندیکایی مادرید اعلام داشت:

این تظاهرات آغاز جنبش های وسیعی است که برای آینده نزدیک برنامه ریزی کرده ایم. ما اعتقاد داریم شرایط کارگران، بیکاران و هم چنین پایین بودن سطح دستمزدها، عدم رشد حقوق بازنشستگان به موازات نرخ تورم و عمیق شدن شکاف های طبقاتی تغییری عمیق را در سیاست های دولت ایجاب می کند. او اضافه کرد: " شرم آور است" در حالی که نرخ رشد تورم ۳ درصد است، رشد حقوق بازنشستگان فقط ۲۵ دهم درصد بوده. این در حالی است که نرخ



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۹۵ / ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۳

از جهان کار

اقتصادی برای ۹۹ درصد (بخش چهارم)



فرضهای غلط محرک اقتصاد ۱ درصدی

داده است که این اقدام به محرومیت بیشتر تهیدستان و خاصه زنان انجامیده است.

۲. فرض غلط شماره ۲: شرکتها باید سودشان را به حداکثر رسانده و آن را به سهامداران آن برگردانند.

حداکثر کردن بی تناسب سود منجر به تقویت درآمدهای افراد هم اکنون ثروتمند می شود و در عین حال فشار نالازمی را بر دوش کارگران، کشاورزان، مصرف کنندگان، تولیدکنندگان خرد، جماعات انسانی و محیط زیست می گذارد. به عوض این روش، بسیاری روشهای سازنده دیگر برای سازماندهی کسب و کار وجود دارند که می توانند در نیل به کامیابی همگانی نقش

اقتصاد کنونی برای ۱ درصد، بر مجموعه ای از فرضهای غلط استوار شده است که دستمایه بسیاری از سیاستها، سرمایه گذاریها و فعالیتهای دولتها، صاحبان مشاغل و افراد پرنفوذ و پرمکنتی شده و به زندگی فقرزده عدّه بیشتری انجامیده است. بعضی از این فرضها مشخصاً در مورد خود اقتصاد است. برخی هم بیشتر در باره دیدگاه مسلط اقتصادی ای است که واضعان آن، آن را "نئولیبرالیسم" نامیده اند؛ دیدگاهی که به اشتباه بر این نظر است که ثروت تولید شده در "بالا" تا اعماق به همه سطوح سرایت خواهد کرد. صندوق جهانی پول نئولیبرالیسم را به عنوان علت کلیدی افزایش نابرابری تشخیص داده است. ما قادر به تغییر وضع نخواهیم بود، مگر آن که این فرضهای نادرست را مهار کنیم.

۱. فرض غلط شماره یک: بازار همیشه به حق است و دولت باید حداقلی شود.

واقعیت این است که بازار در اثبات خود به عنوان بهترین راه ساماندهی و ارزشگذاری زندگی عمومی و طراحی آینده مشترک انسانها شکست خورده است. ما شاهد بوده ایم که چگونه فساد و پارتی بازی، بازارها را به هزینه مردم عادی درهم ریخته اند و چگونه رشد بیش از اندازه بخش مالی نابرابری را تشدید کرده است. خصوصی سازی خدمات عمومی همچون بهداشت، آموزش و آب نشان



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۹۵ / ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۳

داشته باشند. مثالهای بسیاری از این روشها موجود اند.

۳. فرض غلط شماره ۳: ثروت شخصی مفرط به سلامت کسب می شود، نشانه موفقیت است و نابرابری فاقد اهمیت است. برعکس، ظهور دوران طلایی جدید، با ثروت سرشاری که در دستان عده معدودی با اکثریت مردان، متمرکز شده است، به لحاظ اقتصادی ناکارآ و به لحاظ سیاسی فاسدکننده است، و پیشرفت جمعی را مختل می کند. توزیع متعادلتر ثروت ضرورت یافته است.

۴. فرض غلط شماره ۴: افزایش تولید ناخالص داخلی باید هدف مقدم سیاستگذاری باشد.

همچنان که روبرت کندي در سال ۱۹۶۸ گفته است "تولید ناخالص داخلی همه چیز را اندازه می گیرد، الا آنچه که به زندگی ارزش می بخشد". تولید ناخالص داخلی قادر به اندازه گیری میزان کار بی دستمزد، کار ناپرداخته عظیمی که زنان در سراسر دنیا انجام می دهند نیست. قادر به این که نابرابری را اندازه بگیرد، نیست. معنای آن این است که کشوری همچون زامبیا می تواند در عین حالی که تولید ناخالص داخلی اش افزایش می یابد، شمار تهیدستانش نیز افزایش یابد.

فرض غلط شماره ۵: مدل اقتصادی ما نسبت به جنسیت بی طرف است.

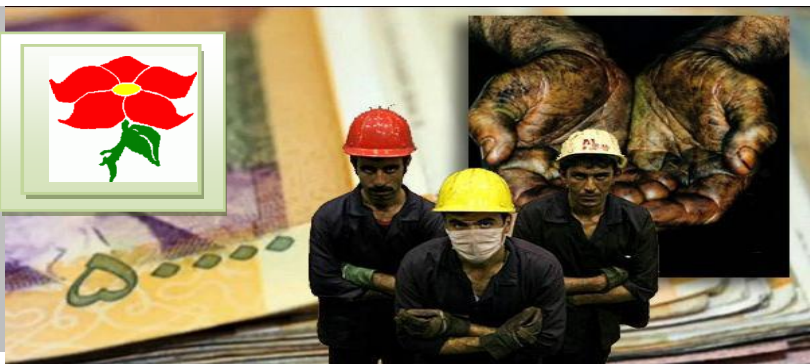
وضع زنان در ارتباط با خدمات عمومی، امنیت شغلی و حقوق کار از همه شکننده تر است. زنان به طرز بی تناسبی در ناامنترین مشاغل و با نازلترین دستمزدها به کار گرفته می شوند. به علاوه سهم اصلی کار بی دستمزد به عهده آنان است. کار بی دستمزد در تولید ناخالص داخلی منظور نمی شود. اما بدون این نوع کار چرخهای اقتصاد ما از حرکت خواهند ایستاد.

فرض غلط شماره ۶: منابع سیاره ما بی پایان اند. این مورد نه تنها یک فرض غلط است، بلکه فرض خطرناکی است که می تواند به عواقب فاجعه باری برای تمام زمین بیانجامد. مدل اقتصادی ما مبتنی بر بهره کشی از محیط و نادیده گرفتن محدودیتهایی است که سیاره ما قادر به تحمل آنهاست. این مدل یک سیستم اقتصادی که مسبب بیشترین تغییرات [ناگوار] اقلیمی است.

این ۶ فرض غلط باید از میان برداشته شوند، و هرچه هم زودتر، اینها فرضیات کهنه، "پس بین"، و ناتوان از تأمین سعادت و ثبات توأم اند. این فرضها کار ما را به بن بست می کشانند. راه بدیل برای گردش اقتصاد ما - یک اقتصاد انسان محور - ضرورت فوری دارد.

کرامت انسانی، دستمزد مناسب، بیمه و امنیت شغلی حق انکار ناپذیر کارگران است؛

برای رسیدن به زندگی بهتر، مطالبه افزایش دستمزد را به مطالبه ای ملی تبدیل کنیم



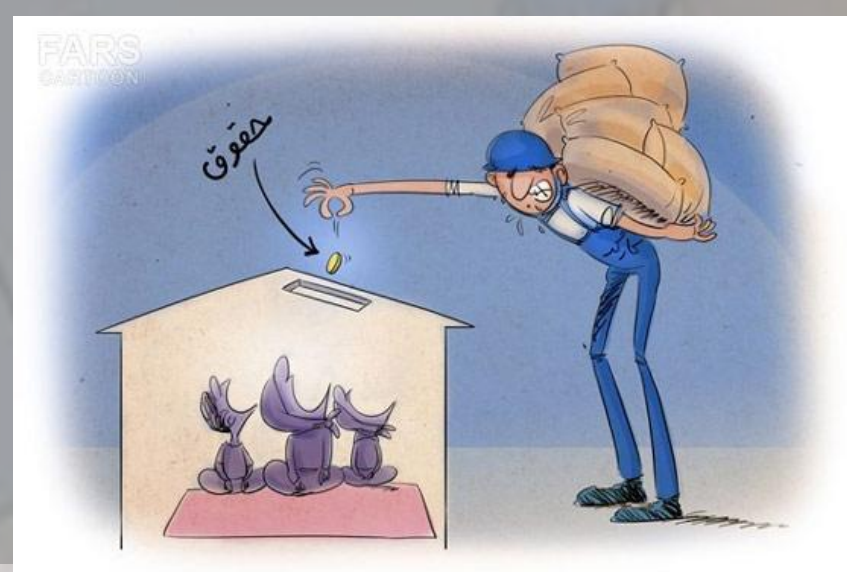


بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۹۵ / ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۳

یادداشت منتخب

حداقل دستمزد حلقه اتحاد نیروهای کار



جعفر ابراهیمی - معلم

حقوق معلم و کارگر

قبل نشان می‌دهد هرگز این افزایش درآمد موجب بالا رفتن وضعیت معلمان و سایر نیروهای آموزشی به بالاتر از خط فقر نمی‌گردد چراکه روند رشد نرخ تورم همواره از میزان رشد دستمزد کمتر است و از همه مهم‌تر میزان حداقل حقوق پایه چون در گذشته پایین‌تر از شاخص خط فقر است و حتی اگر در موردی افزایش حقوق بیشتر از نرخ تورم باشد (که تاکنون نبوده است) این امر موجب نمی‌گردد که درآمد نیروی کار بخش آموزشی با بالاتر از خط فقر راه پیدا کند. این قانونمندی نه در مورد معلمان بلکه مشمول تمام نیروی کاری است که افزایش حقوق آن‌ها مبتنی بر برنامه‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و برنامه بودجه سالانه است به عبارتی تمام کسانی که دولت کارفرمای آن‌هاست مشمول این منطق رشد حقوق و دستمزد هستند که بخش اعظمی از نیروی کارآموزشی و بهداشتی یعنی معلمان و پرستاران را شامل می‌گردد. اما تعیین میزان حقوق و افزایش دستمزد کلیه نیروی کار که مشمول قانون کار در بخش دولتی و خصوصی هستند از کارگران بخش‌های مختلف در صنایع و کارخانجات دولتی و بخش خصوصی تا نیروی کارآموزشی، خدماتی، بهداشتی و ... تحت تأثیر مکانیسم و نحوه تعیین حداقل دستمزد هستند این مکانیسم تحت تأثیر نوعی از توافق برای تعیین حداقل دستمزد است که به "سه‌جانبه‌گرایی" معروف است. وزارت کار در این رویکرد نقش

کارگران و نیروی کار در بخش‌های مختلف، اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند آن‌ها چرخ زندگی و جامعه را به حرکت درمی‌آورند اما اقلیت برخوردار از ثروت و قدرت به مدد قانون و راهکارهای فراقانونی حق زحمتکشان و مزدبگیران را نمی‌دهند و هرروز شکل جدیدی از محرومیت را به آن‌ها تحمیل می‌کنند. یکی از این شیوه‌ها سرکوب دستمزد و حقوق زحمتکشان است که به اشکال مختلف صورت می‌گیرد اما یکی از جنبه‌های آشکار و قانونی این سرکوب عریان، صدور دستورالعمل‌های افزایش حقوق برای نیروهای کار بخش‌های دولتی مانند نیروی آموزشی، بهداشتی و خدماتی است که همراه و همسو با سیاست‌ها و برنامه‌های منتهی به تعیین حداقل دستمزد برای کارگران و زحمتکشان در بخش خصوصی است. در اصل یک همخوانی و همسویی بین دولت و بخش خصوصی در جهت سرکوب دستمزد و حق برخورداری از درآمد عادلانه برای کلیه سطوح نیروی کار و کارگران بخش‌های مختلف در گذشته و حال دیده می‌شود. هنگامی که دستگاه‌های دولتی مانند وزارت آموزش و پرورش حداقل میزان افزایش حقوق در سال بعد را اعلام می‌کنند در اصل برای نیروی کارآموزشی مشخص می‌کنند که دایره زیست و حیات معیشتی و اجتماعی خود را باید بر مبنای یک درآمد ناعادلانه برنامه‌ریزی نماید چرا که مرور تجربه سال‌ها و دولت‌های



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۹۵ / ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۳

از یک جنبه اجتماعی و انسانی دیگر، اکثریت دانش آموزان ما از خانواده‌هایی می‌آیند که پدر یا مادر آنها

بخشی از نیروی کار این جامعه را تشکیل می‌دهند و حداقل دستمزد والدین آنها بر زندگی و تحصیل آنها تأثیر مستقیم دارد. پدیده دانش آموزان کارگر یا کارگر دانش‌آموز که امروز در جامعه ما در کنار کودکان طردشده از چرخه تحصیل بروز و ظهور یافته است و بر روند پیشرفت تربیتی و آموزشی کودکان تأثیر منفی گذاشته است مستقل از نقدهای ساختاری به نظام آموزشی، ناشی از بینواسازی گسترده کارگران و زحمتکشان تحت سیاست‌های غلط اقتصادی دولت‌ها است و یک انسان مسئول اگر معلم باشد نمی‌تواند این مسائل را نادیده بگیرد.

در روزهای آتی مجلس و وزارت کار مهم‌ترین جایی هستند که در آن مسئله دستمزد و حقوق بخش اعظمی از نیروی کار تعیین تکلیف می‌گردد. مجلس مشغول بررسی لایحه بودجه پیشنهادی دولت است که در آن سهم آموزش و پرورش عملاً نادیده گرفته شده است. کانون صنفی معلمان تهران در یک بیانیه تحلیلی نشان داده است که این بودجه پاسخگوی نیازهای آموزش و پرورش از دستمزد معلمان تا کیفیت آموزشی نیست و جمعی از معلمان برای عادلانه کردن بودجه به سود آموزش و پرورش و افزایش حقوق پایه به میزان سه میلیون تومان، در کارزاری به لایحه پیشنهادی دولت اعتراض کرده‌اند اما نباید از تعیین حداقل دستمزد در وزارت کار غافل شد. مستقل از اینکه کارزار معلمان چقدر نتیجه‌بخش باشد این حرکت صنفی و آموزشی یک گام عملی برای یک مطالبه عینی و همگانی است. اگر نیروی کاری که از حقوق و دستمزد برخوردار است بتواند برای نیل به یک دستمزد مناسب برای زندگی شرافتمندانه متحد و پیگیر عمل کند بی‌شک قادر است بر روند تعیین حقوق و دستمزد تأثیرگذار باشد. این مسئله بدون تشکل یابی مستقل و اتحاد حول مطالبات مشترک و عینی ممکن نیست برای رسیدن به اتحاد باید کار و منافع جمعی را در اولویت قرار داد و از حاشیه‌ها و رفتارهای مبتنی بر منافع فردی پرهیز نمود. در کنار این مسئله باید به صورت مسئله آن بخش از نیروی کار پرداخت که صدایی ندارد. آن بخش از نیروی کار است که تحت هیچ‌یک از قوانین نیست و میزان بهره‌کشی و نرخ استثمارش چند برابر سایر نیروهای دیگر است؛ مانند کودکان کار، مربیان و معلمان و کارگران فاقد قرارداد در بخش‌های مختلف، زنان کارگر و دست‌فروشان و ... آری در هر حالت باید صدای بی‌صدایان بود.

اصلی را دارد و به عنوان یکی از رئوس مثلث تعیین دستمزد به عنوان نماینده دولت عمل می‌کند رأس دیگر نماینده کارفرمایان است که بهتر است از آن به عنوان سرمایه‌دار و نماینده بخش خصوصی یاد کنیم و در رأس دیگر باید نماینده کارگران و نیروی کار باشد که در ایران عملاً این نمایندگی به تشکلهای برآمده از جناح سیاسی در هر دوره سپرده می‌شود و عملاً اکثریت میلیونی نیروی کار این موازنه قوا برای بقا و حیات زیستی و معیشتی فاقد نماینده واقعی هستند همین موضوع باعث شده است که در سال‌های گذشته باوجود اعلام رسمی نرخ تورم و خط فقر، نمایندگان به اصطلاح کارگران به امضای توافق تعیین دستمزد به میزان یک سوم خط فقر تن دهند و به نظر می‌رسد امسال نیز در غیاب تشکلهای مستقل این روند ادامه یابد چراکه دولت‌ها در سال‌های پیش نشان داده‌اند که در تعیین دستمزد بجای آنکه یک رأس مستقل باشند در جانب کارفرما قرار دارند گواه روشن در این مورد در دولت روحانی لایحه اصلاحیه قانون کار است که با پیشروی

جنبش کارگری و حمایت زحمتکشان فعلاً مسکوت مانده است.

اما سؤال اینجاست که چه ارتباطی میان دستمزد نیروی کار در بخش خصوصی و دولتی وجود دارد؟ چرا برای معلمان شاغل در بخش دولتی بحث حداقل دستمزد باید مهم تلقی گردد؟ بخصوص وقتی از یک شیوه مکانیسم تعیین مزد برای دو گروه استفاده نمی‌گردد. برای پاسخ به این سؤال باید به اعداد رجوع نمود به عنوان مثال حداقل حقوق یک معلم تازه استخدام در سال گذشته یعنی مجموع حق شغل و حق شاغل را اگر در هر سال محاسبه نماییم با میزان حداقل دستمزد مصوب وزارت کار در آن سال تفاوت چندانی ندارد. برای نمونه مراجعه به حکم کارگزینی یک معلم استخدام سال ۹۵ و مقایسه حقوق پایه با ۸۱۲ هزار تومان حداقل دستمزد سال ۹۵، نشان می‌دهد که مسئله حقوق و دستمزد تمام مزدبگیران و زحمتکشان در یک هم سرنوشتی به سر می‌برد.

از سویی بسیاری از مربیان و معلمان در بخش خصوصی اگر موفق به عقد قرارداد شوند مکانیسم تعیین حقوق و دستمزد آنها توسط صاحبان مراکز آموزش خصوصی مشمول قانون تعیین حداقل دستمزد است که با توجه به روند رو به رشد بخش خصوصی در حوزه آموزش عمومی بایستی به مسئله زیست و معیشت این دست از معلمان توجه نمود.



مجوز به شرکت های هرمی، کاربردی کردن اقتصاد مقاومتی!!!

Kmkoomk.wordpress.com

داران ایران به خصوص نوع مالی آن، این روزهای ستم طبقاتی شان رابه یاد داشته باشند، زیرا این دریای بزرگ مردمی همیشه آرام باقی

نخواهند ماند. آن روزی که طغیان های غیر قابل اجتناب ش آغاز گردد؛ دیگر نمی توانند مدعی شوند این ثروتهای به

یغما برده شده، مرده ریگ پدر ... شان است و یا در زیر سایه دین خود را پنهان کنند.

شورای نگهبان با ۱۹ فقیه و ۲۴ حقوقدان در پاسخ به اعتراض و فتوای آیت اله مکارم شیرازی؛ کار شرکت های هرمی و بازاریابی شبکه ای رامجاز دانسته است. (بی بی سی ۱۵ فوریه ۲۰۱۷ برابر با ۲۷ بهمن ۹۵) انسان بیاد فتوای تاریخی میرزای شیرازی و تحریم تنباکو وعواقب آن می افتد. آیا تاریخ تکرار خواهد شد؟! شاید در این شرایط هرگز نه. نه، زیرا پراکندگی در میان کارگران و همه ی زحمت کشان شهر وروستا هیچ چشم اندازی امیدوار کننده ای ندارد.

طولایی دارند. این دولت مردان کارگران ایران را با سپردن به

دادگاه های جنایی برای حل اختلاف با پیمانکارانی که در این دوران سیاه تاریخی، کارگران را به صورت مضاعف استثمار می کنند وکارمزد توافق شده ای را که کارگران از روی اجبار فقر و گرسنگی خانواده هایشان، پذیرفته اند. سه الی چهار ماه به صورت "گروگان حسن انجام کار" در حساب خود نگه می دارند و در صورت اعتراض کارگران با همیاری دادگاه های شرعی - قضایی مانند یک جنایت کار به شلاق و زندان محکوم می کنند، و مطالبات مالی ش را هرگز پرداخت نم کنند و قانون کاری را که همین نظام بر اساس قانون اساسی ولی با ابهامتی فراوان در تبصره ها پذیرفته بود در بزرگترین مجتمع های صنعتی کشور تحت عنوان مناطق آزاد تجاری - صنعتی حذف نموده است، هم چنین کارگاه های زیر ده نفر را در همه ی ایران از شمول قانون کار خارج کرده اند، اینک نوبت "اصلاح قانون کار" رسیده است. سرمایه

کار وارونه سازی واژه ها به جایی رسیده است که دولت مردانی که در رسانه های وطنی مرتب شعار اقتصاد مقاومتی می دهند و خود را مجری آن نشان می دهند، با صدور مجوز برای فعالیت اقتصادی شرکت های هرمی سرشت مناسباتی را که درعمل به آن باور دارند ولی زیرکانه در باره ی آن هیچ تبلیغاتی نمی کنند، تا هم چنان راه مناسبات اقتصادی امریکایی تعدیل ساختاری و خصوصی سازی در سایه ی بی خبری اجتماعی تداوم یابد و "برادران صندوق بین المللی را راضی نگهدارند، با این "پول امید که سال "اقتصاد مقاومتی" هم در حال پایان است و در این روزهای پایانی، شاید بتوان با ترفند عملیاتی "مهندسی" شده وآمارهایی نولبرالیستی مردم را یک سال دیگر با امیدهای واهی و خالی از درون مایه، در آرزوی یک ناکجا آباد دیگر، سر گرم نمود. بدبختانه این آقایان تنها در کاربردی کردن چنین مواردی ید



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۹۵ / ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۳

نیازی نخواهیم داشت و قانون کار هم به گونه ی واقعی غیر ضروری می شود. تازه اگر چند تایی کارگر برای پخت نان سنگک لازم داشته باشیم می توانیم از چین میلیاردری وارد کنیم و یا مانند واردات میلیاردری "چوب بستنی" نان سنگک را آری. هم از چین خریداری کنیم به زعم چنین وزرا و دولت مردانی، تا دلار های نفتی وجود دارد، کار و تولید اقتصادی - صنعتی آب در هاون کوبیدن است. با وجود این شرایط دولت ساخته می توان حدس زد که به طور حتم آن چند هزار کاری را هم که دولت مردان تا پایان سال جاری وعده داده بودند، همین کارهای واسطه گری در شرکت های هرمی است. آری، آن کلید معجزه گر که می خواست قفل بحران های اجتماعی را باز کند خود به قفلی بزرگ بدل شده است.

انباشت کمیت بحران اجتماعی به مرزهایی رسیده که دنیای خاموش برخی حامیان حاکمیت را هم به اعتراض وا داشته است. آیا چنین فتواهایی می تواند این مشاوران ارشد اقتصادی دولت و دولت مردان را از خواب نولیبرالی بیدار کند؟ آینده این پرسش را پاسخ خواهد داد؟

ناصر آقاجری

بهمن ماه ۹۵ 30

نیز همین است. آقای مکارم شیرازی در ادامه: در عین حال از شورای نگهبان اظهار تعجب کرد که " در این مساله که وظیفه او نیست وارد شده و فتوا داده" است. آقای مکارم شیرازی هم چنین وزارت صنعت را به خاطر صدور مجوز برای شرکت های هرمی به "سوء استفاده" متهم کرد.

سخنگوی شورای نگهبان در پاسخ به این انتقادهای به آیین نامه دیوان عدالت اداری استناد کرده است که مطابق آن برای دیوان عدالت، شورای نگهبان مرجع تشخیص شرعی بودن یا نبودن امور است.

وزارت صنعت که کارش می باید توسعه صنعتی کشور و حمایت از صنایع تولیدی باشد، در عمل، در جهت سرمایه داری مالی و دلالتی گام بر می دارد البته شاید در فرهنگ واژه های وزارت صنعت؛ تفسیر و تأویل توسعه صنعتی این باشد، جل ا. . . خالق. البته این آقایان نخبه و از گروه از ما بهتران هستند و با توجه به اینکه، در این جایگاه یشان، هیچ جای تردیدی نمی تواند وجود داشته باشد، از این رو از این به بعد توسعه صنایع ملی و اقتصاد مقاومتی را باید در رشد بورس بازی و سفته بازی و به طور کلی سرمایه داری مالی ترجمه کرد. با چنین مناسباتی دیگر به وجود کارگران هم

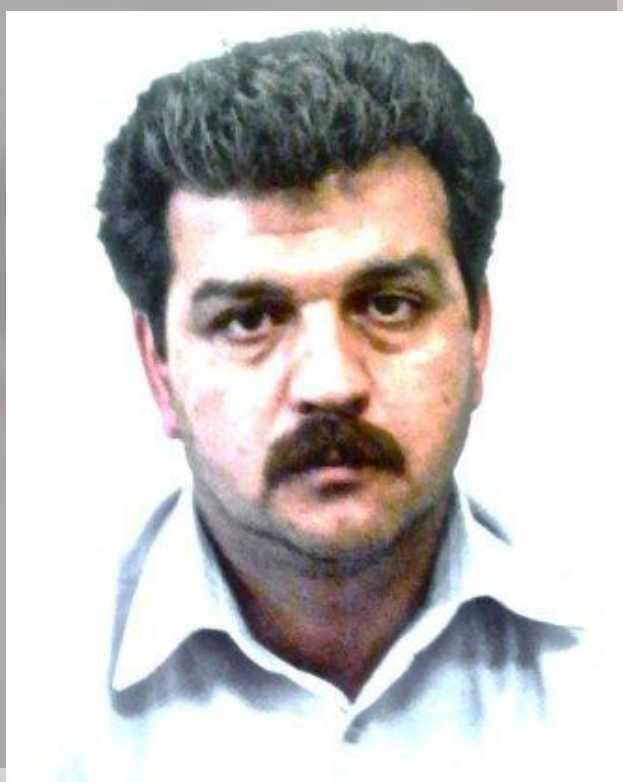
ولی این " درب " همان گونه که امروز بسته است وجودش برای باز شده خلق شده است، آن روز که برپاشنه اش شروع به چرخیدن نماید چون هیچ تشکل و سازمان مردمی وجود ندارد توفان و هجومش ویرانی خلق خواهد کرد. تاریخ نگاران سرمایه داری که پوست کارگری بر خود کشیده اند ابلهانه اعلام می کنند که دوران انقلابات مردمی به پایان رسیده است، آینده ای نه چندان دور به همه نشان خواهد داد که در سیر تحولات اجتماعی از دوران باستان، از اولین جنبش صنعت گران ایرانی بر علیه حاکمیت خون آشام تازی، هیچ تغییری تنها باید روند رخ نداده است انباشت کمیت ها کامل گردد تا به خط قرمز مردم برسد. در آن صورت دگر گونی غیر اجتناب خواهد شد و فراماسیونهای صادراتی صندوق بین المللی پول مانند غنی نژادها نیلی ها و زیبا کلام ها و دادخواه ها باید راهی وطن غربی خود شوند.

نظر آقای مکارم شیرازی در باره فعالیت شرکت های هرمی و بازاریابی شبکه ای: " به یقین شرعاً حرام است" و نظر اکثر روحانیون ارشد شیعه



اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا

رضا شهابی نباید به زندان باز گردانده شود



جناب سید علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران

جناب حسن روحانی، رئیس جمهور

بدین وسیله به نمایندگی از سوی ۶۴۳۰۰۰ عضو اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا (کیوپی) ما نگرانی جدی خود را نسبت به تلاش جدید اطلاعات و قوه قضایه ایران برای بازگرداندن اجباری رضا شهابی به زندان اعلام می داریم.

رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در ژوئن سال ۲۰۱۰ به دلیل فعالیت های سندیکایی ناعادلانه دستگیر شد. او در زمان دستگیری مشغول رانندگی بود و در برابر چشم مسافران بطور خشونت آمیز مورد حمله قرار گرفت و سپس در بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس شد.

آقای شهابی در حال حاضر با قرار وثیقه آزاد است، اما هر لحظه در خطر دستگیری مجدد و باز گرداندن به زندان برای تحمل مابقی حکم شش سال زندان بسر می برد (به ادعای مقامات حکومتی او باید سه ماه زندان دیگر را تحمل کند). شهابی بعد از گذراندن ۱۹ ماه در سلول انفرادی، توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به شش سال زندان و پنج سال ممنوعیت از فعالیت و پرداخت هفت های سندیکایی میلیون تومان جریمه محکوم شد. وی به دلیل تحمل فشار



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۹۵ / ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۳

فوری و بدون قید و شرط او هستیم. ما همچنین از مقامات دولت ایران می خواهیم که به تعقیب فعالان کارگری در ایران خاتمه دهند و همه اتهامات علیه دیگر اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه از جمله احکام صادره علیه ابراهیم مددی و داوود رضوی را لغو کنند.

های جسمی و شکنجه در جریان چندین نوبت بازجویی، از در رفتگی مهره های گردن و کمر رنج می برد و دوبار مورد عمل جراحی قرار گرفته است.

ایشان بعد از تحمل پنج سال زندان، مشمول مرخصی استعلاجی قرار گرفت.

با توجه به بیماری های جدی آقای شهابی، زندانی شدن ایشان باعث خواهد شد سلامتی او در معرض خطر قرار گیرد.

وثیقه گذار آقای شهابی نیز مورد تهدید قرار گرفته که چنانچه آقای شهابی به زندان باز نگردد خانه اش مصادره خواهد شد.

بازگرداندن رضا شهابی به زندان نشانه دیگری خواهد بود از تداوم نقض کنوانسیون های بین المللی و زیر پا نهادن حقوق انسانی. ما خواهان پایان بخشیدن به پایمال کردن حقوق شهروندی رضا شهابی و لغو احکام زندان علیه ایشان و آزادی

با احترام

مارک هانکوک، ریاست کشوری

چارلیز فلوری، دبیر و خزانه دار کشوری

: رونوشت به

(دبیر کل شورای عالی حقوق بشر (ایران)

(وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (ایران)

نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

بخش بین المللی کنگره کار کانادا



سازمان آموزش بین الملل:

تمامی اتهامات علیه اسماعیل عبدی را محکوم می کنیم

۲۰۱۵ بازداشت شده بودند، تا از حضور آنان در نشست کنگره جهانی "آموزش در اتاوا، کانادا ممانعت به عمل آید. وی نهایتاً در ماه مه (EI) "بین المللی پس از اعتصاب غذایی ۱۶ روزه و فعالیت های گستردهء همبستگی ۲۰۱۶ بین المللی آزاد شد.

آموزش بین الملل تمامی اتهامات علیه عبدی را به ناعادلانه و ناقص پیمان مبنی "های حقوق بشر می داند و محکوم می نماید، خصوصاً ادعای دادگاه بر اجتماع و تباری علیه امنیت ملی" را.

آموزش بین الملل یک کمپین اینترنتی در همبستگی با عبدی، با همکاری "لیبر ستارت" راه اندازی کرده است.

سیاست های نئولیبرالی در ایران یک بحران برای سیستم آموزشی کشور و برای شرایط زندگی معلمان ایجاد کرده اند. خصوصی سازی و تجاری سازی آموزش به مبانی آموزش و پرورش عادلانه و آزاد در سراسر کشور آسیب رسانده است. بسیاری از دانش آموزان، به ویژه دختران، از خانواده های کم درآمد در مناطق روستایی و عشایری عملاً از دسترسی به آموزش و پرورش محروم اند، بر اساس گزارشی بیش از ۳/۵ میلیون دانش آموز قادر به ادامهء تحصیل نیستند و در مدرسه حضور ندارند و عملاً حضورشان در مدرسه امکان پذیر نیست.

علاوه بر این دستمزد معلمان غالباً زیر خط فقر است. با این حال، معلمان ایرانی در مواجهه با شرایط موجود و بی عدالتی در سال های گذشته دست به تظاهرات سراسری و اعتراضات زده اند و خواستهء قوی خود را برای تغییرات سیستماتیک بیان کرده اند.

سازمان آموزش بین الملل،

پس از رد تجدیدنظرخواهی اسماعیل عبدی، گزارش جدیدی در ارتباط با وی منتشر کرده است. ترجمه این گزارش که توسط حقوق معلم و کارگر انجام شده به شرح زیر است:

اسماعیل عبدی رهبر اتحادیه معلمان ایران، دوباره با محکومیت کامل برای تمامی دورهء زندان شش ساله مواجه شده است. اسماعیل عبدی، یکی از فعالان تشکل های صنفی معلمان تهران، شاهد رد تقاضای تجدید نظر پروندهء خویش در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور در ۴ فوریه بوده است.

این حکم دادگاه در تایید تصمیمات قضایی قبلی است و بنیان گر این است که عبدی بایستی برای ۶ سال به زندان برود.

عبدی همراه با سه فعال "اتحادیه معلمان ایرانی" به ناحق در جولای